

کلام محقق عراقی:

مرحوم عراقی بحث را صرفاً در «فرد یا افراد» و «دفعه یا دفعات» مطرح نمی‌کنند و آن را در سه حوزه طرح می‌کنند و برخلاف مرحوم آخوند، ظهور مره و تکرار را در دفعه و دفعات می‌دانند. ایشان می‌نویسد:

«و قبل الخوض فی المرام ینبغی تعیین المراد من القول بالمرّة و التکرار، حیث ان فیها وجوها ثلاثة:

الأوّل: ان یکون المراد من المرّة هو الفرد فیقابلها التکرار بمعنی الأفراد.

الثانی: ان یکون المراد منها الوجود الواحد و فی قبالتها التکرار بمعنی الوجودات، و الفرق بینهما هو انه علی الأوّل یکون الفرد بخصوصیة الفردیة تحت الطلب و الأمر بخلافه علی الثانی فأنّه علیّه یکون مطلویبة الفرد بما أنّه وجود للطبیعی فتکون خصوصیة الفردیة خارجة عن دائرة الطلب، و ربما یثمر ذلك فی مقام الامتثال عند الإتیان بالفرد بقصد الخصوصية لا بما انه وجود الطبیعی، حیث انه علی الأوّل یقع الامتثال بالخصوصیة بخلافه علی الثانی، فانه علاوة عن عدم تحقق الامتثال بالخصوصیة ربما صدق التشریع المحرم أيضا فی قصده الخصوصية نظرا إلی ما هو المفروض من خروج الخصوصية عن دائرة الطلب و الأمر، كما هو واضح.

الثالث: ان یکون المراد من المرّة الدفعة و من التکرار ما یقابلها و هو الدفعات و الفرق بین ذلك و الوجهین المتقدمین واضح، إذ علی هذا المعنی ربما یتحقق الامتثال بالمتعدد فیما لو أوجد دفعة افرادا متعددة فانه حیثنذ یتحقق الامتثال بالمجموع، بخلافه علی المرّة بمعنی الفرد أو الوجود الواحد فأنّه علیهما یقع الامتثال بواحد منها. و حیثنذ فهذه احتمالات ثلاثة فی المراد من المرّة و التکرار.»^۱

توضیح:

۱. احتمال درباره آنکه مراد از مره و تکرار چیست، مطرح است.
۲. احتمال اول: مره یعنی فرد و تکرار یعنی افراد.
۳. احتمال دوم: مره یعنی وجود واحد و تکرار یعنی وجودات.
۴. فرق این دو آن است که در فرض اول فرد یعنی یک شیء با خصوصیت فردیه و لذا آنچه تحت امر واقع می‌شود فرد با خصوصیت فردیه است ولی در فرض دوم خصوصیت فردیه داخل در مطلوب نیست.
۵. ثمره آنجا ظاهر می‌شود که اگر کسی فرد را با قصد خصوصیت فردیه اش امتثال کرد طبق احتمال اول امر را امتثال کرده است ولی طبق احتمال دوم نه تنها امر امتثال نشده است بلکه ممکن است تشریع هم شده باشد.
۶. احتمال سوم: مره یعنی دفعه و تکرار یعنی دفعات.

۱. نهاية الأفكار؛ ج ۱؛ ص ۲۱۰



۷. فرق این فرض با دو فرض قبل هم آن است که: اگر کسی یک دفعه افراد متعدد را ایجاد کرد، در این صورت اگر امر برای دفعه وضع شده باشد. امتثال ناشی از اتیان مجموع افراد است ولی اگر امر برای فرد یا وجود واحد وضع شده باشد، امتثال ناشی از اتیان به یکی از آن افراد است.

ایشان سپس ادامه می دهد:

«و لكن الاحتمال الأوّل بعيد غايته عن مصب كلماتهم بقرينة النزاع الآتي في تعلق الأمر بالطبيعة أو الفرد، فانه لو كان المراد من المرة في المقام هو الفرد لكان اللازم هو ذكرهم ذلك في طيّ المقام الآتي: في انه بعدد فرض تعلق الأمر بالفرد لا بالطبيعة فهل الأمر يدل على فرد واحد أو على افراد متعددة؟ لا جعلهم ذلك بحثا مستقلا في قبال البحث الآتي، و حينئذ فنفس تعرضهم لهذا البحث مستقلا في قبال البحث الآتي قرينة قطعية على عدم إراداتهم من المرة في المقام الفرد و الأفراد، كما هو واضح. و حينئذ فيدور الأمر بين الوجهين الآخرين، و عند ذلك ربّما كان المتعين منهما هو الأخير نظرا إلى كونه هو المنساق منها في الذهن عند العرف، و من ذلك لو أتى بالماء مثلا في ظروف متعدّدة دفعة واحدة لا يقال: بأنه أتى بالماء مرات أو أتى به متكررا، بل يقال: انه أتى بالماء مرّة واحدة. هكذا أفاد الأستاذ. و لكن أقول: بأنّ عدم صدق التكرار و المرّات في المثال انما هو باعتبار إضافته إلى الإتيان لا بلحاظ إضافته إلى المأتي به و هو الماء، فحيث ان الإتيان لم يكن إلّا إتيانا واحدا أضيف إليه المرّة فقيل: بأنه أتى بالماء مرّة واحدة، و إلّا فباعتبار إضافتها إلى نفس المأتي به و هو الماء ربما يصدق عليه التكرار في المثال المزبور، كما هو واضح.»^۱

توضیح:

۱. بعید است مراد از مره، فرد (احتمال اول) باشد چراکه در این صورت این بحث ذیل بحث از تعلق امر به طبیعت یا فرد مطرح می شد.
۲. پس بحث بین احتمال دوم و سوم دوران دارد.
۳. به نظر می رسد، احتمال سوم متعین است چراکه ظاهر از مره و تکرار در نظر عرف، دفعه و دفعات است.
۴. مرحوم آخوند می گوید: اگر کسی یک دفعه ده ظرف آب آورد، گفته نمی شود که متکررا آب آورد. [پس معلوم می شود که تکرار یعنی دفعات]
۵. اما در جواب می توان گفت: در همین مثال اگر «اتیان» را لحاظ کنیم یک بار انجام شده است ولی اگر آب را لحاظ کنیم، می توان گفت آب متکررا حاصل شده است.

۱. نهاية الأفكار؛ ج ۱؛ ص ۲۱۱



ما می‌گوییم:

آنچه در بدایع الافکار از مرحوم عراقی نقل شده با مطلبی که از ایشان در نهایت الافکار خواندیم، متفاوت است و به نظر می‌رسد همان کامل است. آنچه در بدایع الافکار^۱ آمده مطابق با فرمایش مرحوم آخوند است.

